

# سفرنامه مشهد مقدس و قم

## ملا علی اصغر محمدی قزوینی

(م ۱۳۹۶ق)

### چکیده

مقاله، شرح سفر ملا علی اصغر محمدی قزوینی (م ۱۳۹۶ق) است در سال ۱۳۸۳ق (۱۳۴۲ش) به قم و مشهد. ضمن این سفرنامه، برخی از رویدادهای مربوط به اعتراض علما به انجمن‌های ایالتی و ولایتی تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و نیز اخباری از علمای زمان خود را یاد می‌کند. مقدمه‌ای در مورد شرح حال مؤلف و کتاب چاپ شده او (سخن پدر) آمده است. **کلیدواژه:** محمدی قزوینی، علی اصغر؛ سخن پدر (کتاب)؛ تاریخ قم؛ حوزه علمیه قم.

### الخلاصة

هذه المقالة عبارة عن رحلة الملا علي أصغر المحمدي القزويني (م ۱۳۹۶هـ) إلى مشهد المقدسة و قم المقدسة في سنة (۱۳۸۳/۱۳۴۲ش). وقد عرض في رحلته جملة من الحوادث التاريخية، نحو اعتراض العلماء على لجان الولايات والمدن، حتى نهضة ۱۵ خرداد في سنة ۱۳۴۲، وكذلك أخبار جملة من علماء عصره. تتضمن المقدمة تعريفاً بالمصنف وكتابه (سخن پدر).

آیة الله شیخ علی محمدی تاکندی درباره پدرش چنین نوشته است:

پدر اینجانب آقای حاج شیخ علی اصغر محمدی یکی از علمای معروف قاقازان حتی قزوین بود و مورد علاقه علمای قزوین بود. هر وقت قزوین می آمد خدمت علمای شهر مرحوم آیة الله سید ابوالحسن رفیعی رحمته می رسید و به سؤال و جواب علمی می پرداخت. پدرم مردی روشن و مبلّغ و راهنمای طلاب و علما بود در مسائل سیاسی و اخلاقی و اجتماعی زیادی وارد بود و حالات علمای سابق مخصوصاً زمان مشروطه و بعدش را زیاد گفت و گو می نمود و تجزیه و تحلیل می کرد و نظریه می داد.<sup>۳</sup>

شیخ علی اصغر محمدی پس از یک عمر تلاش و مجاهدت در تبلیغ دین و ترویج شریعت محمدی صلی الله علیه و آله در بیمارستان فاطمی شهر قم به تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۵۵ درگذشت و در قبرستان باغ بهشت (حیاط اول، سالن یک) به خاک سپرده شد.

کرد در سال ۱۳۳۳ به حوزه علمیه قم رهسپار شد.

وی نزد بزرگانی چون آیة الله بروجردی، امام خمینی، آیة الله گلپایگانی، آیة الله شریعتمداری؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی، شیخ حسینعلی منتظری، سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، میرزا هاشم آملی، شیخ مصطفی اعتمادی و ... کسب فیض کرد.

آیة الله تاکندی در سال ۱۳۶۱ به قزوین بازگشت و به تدریس سطوح عالی حوزه پرداخت. در سال ۱۳۷۳ شروع به تدریس خارج فقه در مدرسه امام صادق علیه السلام قزوین کرد و تا پایان عمر خود این درس را ادامه داد. این عالم بزرگوار همواره در راه تبلیغ و ارشاد و رسیدگی به امور مردم تلاش کرد. وی عضو شورای مدیریت حوزه علمیه قزوین بود. دو دوره نیز به عنوان نماینده قزوین در مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. از شمار آثار وی می توان شرح کفایه، تقریرات درس خارج آیة الله بروجردی، امام خمینی، میرزا هاشم آملی، ایضاح الفتوی فی شرح عروة الوثقی در دو جلد که جلد اول در اجتهاد و تقلید و جلد دوم در مورد طهارت است، شرح دعای جوشن کبیر، شرح نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر با عنوان نامه روح فزاد در سه جلد، شرح دعای مکارم الأخلاق، غسل و مثل، جامع الشتات در چندین مجلد، وقایع ایام و ... را یاد کرد. آیة الله تاکندی در اول ربیع الاول سال ۱۴۴۳ برابر با ۱۶ مهر ماه سال ۱۴۰۰ در شهر قزوین درگذشت و در صحن حرم شاهزاده حسین علیه السلام به خاک سپرده شد. زندگی نامه خودنوشت آیة الله محمدی تاکندی، فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۰۵-۱۰۶، ص ۲۵۰-۲۵۹.

۳. زندگی نامه خودنوشت آیة الله محمدی تاکندی، فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۰۵-۱۰۶، ص ۲۵۰-۲۵۹.

نویسنده این سفرنامه، عالم بزرگوار و روحانی وارسته شیخ علی اصغر محمدی تاکندی قزوینی، به سال ۱۳۰۱ق در روستای «تاکند» از توابع قاقازان شهرستان تاکستان متولد شد. پدر بزرگوارش، ملا علی اکبر، از علمای آن منطقه بود و نیای او، ملا حضرتقلی محمدی، از روحانیون مشهور قزوین و قاقازان و هم دوره با مرحوم سید علی قزوینی (صاحب حاشیه) و سید تقی ولدآبادی قزوینی بود.

جد بزرگ وی، شیخ محمد، از علمای خورگام، از توابع رودبار گیلان، بوده و به منطقه قاقازان قزوین کوچیده است. نام خاندان شیخ محمدی از نام این عالم به یادگار مانده است. خاندان «شیخ محمدی» چند نسل به تبلیغ دین و وعظ و ارشاد مردم منطقه قاقازان را به عهده داشته اند. از این خاندان که در علم و فضیلت نامبردارند، خانواده هایی با فامیلی «محمدی»، «شیخ محمدی»، «مهدی پور»، «آخوندی» و ... در قاقازان، تاکستان، قم، تهران، قزوین و ... شهرت دارند.

نویسنده این سفرنامه، برادری به نام شیخ علی اوسط داشته که در علم و زهد مشهور بوده و در سال ۱۳۶۷ق در ۶۵ سالگی در قم درگذشته است.

شیخ علی اوسط دو فرزند به نام شیخ عطاءالله محمدی (درگذشته در قزوین و مدفون در همان شهر) و شیخ محمد محمدی (از علمای تحصیل کرده در قم و سر سلسله خاندان محمدی) داشته است.

شیخ علی اصغر محمدی نیز خود پدر دو فرزند اهل علم و فضیلت به نام مرحوم آقای هبة الله محمدی (م ۱۳۷۰ش)<sup>۱</sup> و شیخ علی محمدی تاکندی (م ۱۴۰۰ش)<sup>۲</sup> است.

۱. مرحوم هبة الله محمدی (۱۳۰۳-۱۳۷۹ش) متولد روستای تاکند قزوین، تحصیل کرده حوزه های علمیه قزوین و قم بود. وی همچنین مدرک لیسانس الهیات از دانشگاه منقول و معقول تهران داشت. آن مرحوم در تهران سردفتر ثبت اسناد رسمی و دفتر ثبت ازدواج و طلاق بود. هبة الله محمدی در ۱۳۷۹ش در تهران درگذشت و در بهشت زهرا علیها السلام به خاک سپرده شد. از آن مرحوم جزوه هایی در سیره اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت امیرالمؤمنین و اباعبدالله الحسین علیه السلام به یادگار مانده است.

۲. آیة الله شیخ علی محمدی تاکندی در سال ۱۳۱۲ در روستای تاکند از توابع منطقه قاقازان شهرستان تاکستان قزوین زاده شد. دروس آغازین را نزد پدرش آموخت. در سال ۱۳۲۶ در حوزه التقافیه قزوین علوم حوزوی را آغاز

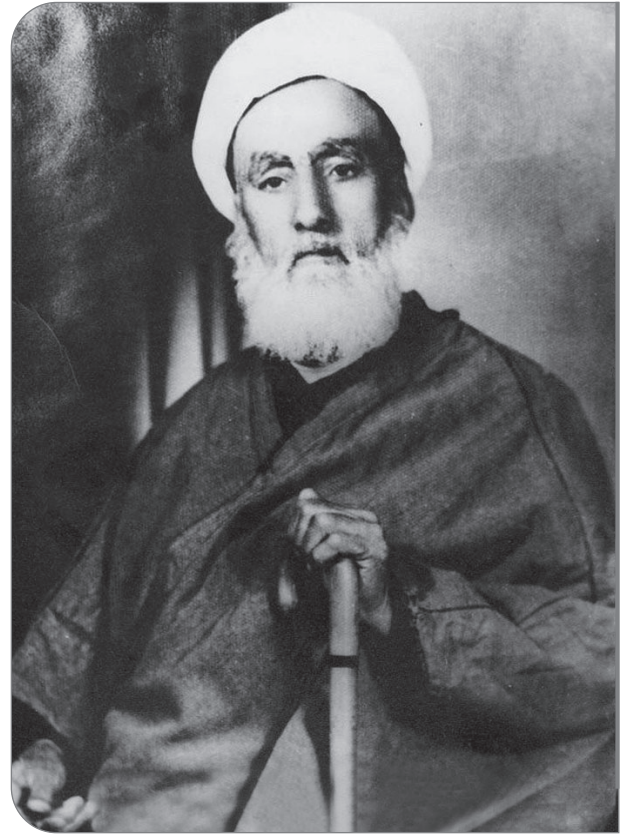
آیه الله شیخ علی محمدی تاکندی، تدوین کرده است. این مجموعه دربردارنده ۲۳۶ سخن است که دارای مطالب کوتاه و بلند است و با عناوین «پدرم نوشته است...» و «پدرم گفت...» سامان یافته است.

این اثر با این مقدمه آغاز شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين و بعد حمد بی پایان و شکر بی منتهی ذات باری تعالی را که ما را علاوه بر هدایت تکوینی، هدایت تشریعی نموده و پیغمبران عظام سیمای پیغمبر عظیم الشأن و اشرف الأنبياء محمد مصطفی ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام دوازده جانشینان بر حق و اوصیاء کرام را برای ما با دست پر، از قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و میلیون ها کلمات دُرر بار انتخاب نموده و فرستاده و ما را از ضلالت به نور کشانیده است. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ...﴾<sup>۴</sup> . . .

مخصوصاً حقیر کاتب مفتخرم که فرزند روحانی و عالم ابا و جدّاً و اجداداً هستم و از آنجایی که پدرم حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر شیخ محمدی نجل مرحوم مغفور حجة الاسلام ملا علی اکبر محمدی نجل مرحوم مغفور حجة الاسلام ملا حضرتقلی محمدی آخوند روشنی بود، تجربه های زیاد در ده و شهر از زمان پدرش و طلبگی و زمان های سیاه پهلوی ها و گرفتاری های آخوندی و قحطی قدیم و گرفتاری هایی که در زمان های روضه خوانی و منبر داشت و نکته های علمی قرآنی و روایتی و طرز ورود و خروج در اجتماعات و مجالس و سخن گفتن و هزاران نکات و راهنمایی های دیگر را دارا بود و بنده از ایشان شنیده و دیده و دیگران نیز دیده و شنیده اند، من جمله ادبیات از شعر و غیره و حقیر در مجالس درس برای طلاب و در منبرها برای



آیه الله میرزا عبدالله شهیدی (امام جمعه) و مرحوم میرزا نصرالله شهیدی در مسجد مرحوم شهید در قزوین مجلس یادبود گرفتند. مراسم چهلمین روز وفات آن مرحوم از طرف آیه الله میرزا هاشم آملی در مسجد اعظم قم برگزار شد.

متن سنگ مزار آن مرحوم چنین است:

«وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات و قلب سلیم و حمل الزّاد أقبح کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم آرامگاه حضرت حجة الاسلام والمسلمین ملا علی اصغر محمدی قزوینی، در سن ۹۲ سالگی در تاریخ ۱۳۵۵/۵/۱۹ شمسی دعوت حق را لبیک گفت.»

#### • تنها اثر به یادگار مانده

تنها اثری که از شیخ علی اصغر محمدی قزوینی به یادگار مانده، سخن پدر است که تاکنون به چاپ نرسیده است. سخن پدر مجموعه ای از نوشته ها، و گفتارها، نکته ها، نصایح، اشعار و مطالب ارزشمند است که فرزندشان، مرحوم

مردم روستا و شهری زیاد از آن پدر مرحومم مطلب نقل می‌کنم. اواخر به فکر افتادم هر چه دیده و شنیده‌ام از آن مرحوم یا یادداشت پیدا نمودم، در یکجا جمع نمایم. البته فرزندم، شیخ رضا محمدی (حفظه الله و جعله من العلماء العاملين) نیز در این جمع‌آوری اصرار داشت. لذا در دوم فروردین سال جدید ۱۳۷۲ش به این امر مهم اقدام نمودم. تدریجاً هر نکته و مطلبی به یادم بیفتد و برخورد کردم، او را با شمارش بنویسم تا به یادگار بماند. اسم کتاب را سخن پدر نهادم.

اللهم وَّقِنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلٰى وَالِدَيَّ... .

مرحوم آیه‌الله شیخ علی محمدی تاکندی این مجموعه را در یک سررسید در ۳۶۴ صفحه در قطع وزیری، به خط نسخ تحریری در سال ۱۳۷۲ نوشته است. این اثر در کتابخانه ایشان در قزوین نگهداری می‌شود.

### • برگ‌هایی از کتاب سخن پدر

سخن ۳: در جایی که افراد ناقابل جای قابل می‌نشست، می‌گفت:

رفتند کیان دین پرستان

دادند جهان به زیردستان

و آن قوم کیان و این قوم کیانند

در جای کیان ببین کیانند

سخن ۱۷: مرحوم حاج آقا شیخ حسنعلی بهزاد پور

چنگوره‌ای سروده است:

مر تو راست عینین عینین علی

حاجببین تو است پائین علی

بینات لام علی گشته عیان

متشکل از علی هستی بدان

سخن ۸۱: به امام زین‌العابدین علیه السلام عرض کردند در

فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان بفرمائید؟

امام فرمودند: مختصر یا مفصل؟!!

عرض کردند: مختصر.

فرمود: «ما همّ بمعصية قط»؛ پدرم از منهج الصادقین

نقل می‌کرد.

سخن ۸۲: امام صادق علیه السلام مکرر به این بیت ترنم

می‌فرمود:

لكل أناس دولة يرقبونها

و دولتنا في آخر الدهر تظهر<sup>ه</sup>

به نقل از نجم الثاقب.

سخن ۸۷: پدرم می‌گفت: در زمان طلبگی ما در قزوین

یک فقیر بود، در بازار قزوین راه می‌رفت و گدایی می‌نمود،

إلا اینکه به جای الفاظ گدایی که گدایان به کار می‌بردند،

این فقط یک شعر را می‌خواند با لهجه مخصوص و آن

این است:

از آن وقتی بده - بستان بنا شد

«بده» خوب شد و «بستان» ماجرا شد

سخن ۱۳۱: پدرم این جمله را از قصص العلماء نقل

کرد: «دارهم ما دمت فی دارهم؛ یعنی مادامی که در

دنیا هستی، باید با اهل دنیا مدارا کنی». بعد این شعر

را می‌خواند:

مردمانی که اندرین حین‌اند

گر ملائک و گر شیاطینند

با همین مردمان ببايد ساخت

که در این حین مردمان اینند

سخن ۲۱۶: سرگذشت عبرت‌آمیز از سنه ۱۳۳۶ قمری

و ۱۳۶۲ قمری.

اولی نقل از عمویم مرحوم ملا علی اوسط رحمته الله علیه دوّمی

نقل از پدرم مرحوم ملا علی اصغر رحمته الله علیه.

اما اولی ایشان در حاشیه تفسیر منهج الصادقین

جلد سوم در سوره سجده می‌نویسد که: «اوضاع مردم

به قدری خراب بود که خداوند تفضّل فرماید بر فقراء، در

بهار هذه السنة از کثرت معصیت‌ها باران هیچ نیامد، الا

- طرف حضرات آیات مرعشی نجفی و شریعتمداری.
۲. اعتراض مراجع معظم تقلید شهرهای تهران، قم و نجف به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اعلام اعتراض حضرات آیات امام خمینی، شریعتمداری، مرعشی نجفی (در قم)، سید احمد خوانساری (در تهران)، حضرات آیت سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی (در نجف اشرف).
۳. برگزاری مجلس شهادت امام جعفر صادق علیه السلام در روز نوروز ۱۳۴۲ و حمله مأموران و چماقداران رژیم به طلاب بی‌دفاع در مدرسه فیضیه.
۴. برگزاری اعیاد شعبانیه در حوزه علمیه قزوین و حضور مأموران ساواک در این مراسم.
۵. نمایی از وضعیت سیاسی و اجتماعی در سال ۱۳۴۲ و نشانه‌هایی از شکل‌گیری انقلاب اسلامی.
- این سفرنامه به خط نسخ تحریری مؤلف در پنج صفحه رحلی در همان سال نوشته شده است. نسخه اصل این سفرنامه در کتابخانه نگارنده سطور در قم نگهداری می‌شود.

### • متن سفرنامه مشهد و قم

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إني أسألك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب. وأتقرب بهما اليك خير القرب الخ....

این عبد ذلیل روسیاه علی‌اصغر بن مرحوم مغفور ملا علی‌اکبر (طاب ثراه) در سن ۷۹ قمری می‌باشم. تا این تاریخ ۱۳۸۳ قمری موفق به زیارت و آستانه بوسی حضرت ثامن الائمه علیه السلام نشده بودم. در این سال غزه ماه رجب الأصعب روز دوشنبه مطابق ۲۷ آبان ماه ۱۳۴۲ خورشیدی وارد ارض اقدس خراسان شدم و تا روز نوزدهم ماه رجب با داشتن قصد اقامه عشره لیلاً و نهراً موفق به فنا بوسی<sup>۱</sup> و زیارت ثامن الحجج علیه السلام بودم و منزل در مهمان‌خانه سبزواری - که معروف به مجمع محدثین<sup>۲</sup> است - داشتیم و جناب مستطاب آقای حاج سید

.....

۶. فناء: عتبه، درگاه، آستان، آستانه (لغت‌نامه دهخدا)

۷. مجمع محدثین از آثار خیریه مرحوم آیه‌الله سید محمدجواد فقیه

قطرات یسیره، لکن به مصلی رفته، جفتی ده و پنج و سه خروار آمد در اکثر جاها جفتی ۳۰ من، ۲۰ من شد (اللهم ارحص اسعارنا بمحمد و آله) من شاه به هشت عباسی قزوینی مشهور است به چهار تومان به پنج تومان رسید در سر خرمن ارزان شد. حرره الاحقر خادم خدام الشرع الأنور علی اوسط بن المتکی بغرف الجنان بفضل ربنا المتان لانه ذو احسان آخوند ملا علی‌اکبر الاقبلاغی الاصل و تاکندی المسکن».

بعد پدر مرحوم نوشته: در تاریخ ۱۳۲۲ خورشیدی مطابق ۱۳۶۲ قمری گندم به همین سنگ من شاه به ده تومان رسید، و لکن از فضل خداوند سختی این گرانی خیلی کم [تر از] سختی ۱۳۳۶ بود.

در سنه ۱۳۶۲ق ایران را لشگر روس و انگلیس و آمریکا اشغال کرده بودند و جنگ با آلمان داشتند. اقل علی‌اصغر محمدی. حقیر کاتب [شیخ علی محمدی تاکندی] زمان ۴ تومانی که عمومیم نقل کرده، خیلی سخت و قحطی بوده که مردم از گرسنگی در گوشه و کناری مردند، اما به خلاف سنه ۱۰ تومان که در سنه ۱۳۶۲ قمری که ایام جنگ بین‌المللی دوم بود که در سنه ۱۳۲۲ روس به قزوین حمله کرد و بمب انداخت، مردم تار و مار اطراف شدند و اکثر شهر را خالی نمودند و پمپ بنزین آتش گرفت».

### • سیری در سفرنامه

این سفرنامه کوتاه گزارشی از نخستین سفر نویسنده به مشهد مقدس در هفتاد و نه سالگی در سال ۱۳۴۲ ش / ۱۳۸۳ ق، است و در آن پیش از سفر و پس از آن شرحی از سفر به قم روایت شده است.

راوی به‌عنوان یکی از علمای بلاد - ساکن منطقه قاقازان قزوین - گزارشی ناب از وقایع ایران در سال ۱۳۴۲ و مبارزات مراجع معظم تقلید به‌ویژه امام خمینی رحمته الله علیه و دستگیری وی به دست داده است. مهم‌ترین وقایع ثبت شده در این اثر عبارتند از:

۱. درگذشت سید محمد بهبهانی و برگزاری مجالس ختم از

مغرب و عشاء را اغلباً با فقیه سبزواری<sup>۱</sup> و نماز صبح را ایضاً با حاجی علامه أداء می نمودیم. خداوند عالم قبول فرماید و در نامه عمل ثبت شود.

چون این سفر خیریت اثر بود، فلذا بر سبیل اجمال از روز حرکت از ده تا ورود را مرقوم دارم. روز ۲۲ جمادی الآخری از ده حرکت نمودیم تا دو ساعت به غروب به طهران منزل نور چشمی میرزا هبه الله (اصلح الله حاله و سریرته) وارد شدیم و دو شب آنجا ماندیم و از آنجا به التزام شیخ هبه الله به زیارت حضرت معصومه علیها السلام در قم مشرف شدیم و دو شب ماندیم و در منزل نور چشمی شیخ علی بودیم که رادیوها از طهران اطلاع دادند که حضرت آیه الله آقا سید محمد بهبهانی که سید جلیل القدر و مسن و متنقذ و پسر مرحوم مغفور آقا سید عبدالله - پیش قدم مشروطیت ایران بود، بالاخره شهید راه

شهیدی مشهد در ۱۳۱۲ در شهر کربلا زاده شد و به همراه خانواده به مشهد آمد. وی در سلک شاگردان استادان مشهوری چون سید حسین قمی، شیخ مرتضی آشتیانی، سید ابراهیم خراسانی، فاضل بسطامی است. وی همچنین سالیانی چند در حوزه نجف نزد بزرگانی چون میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی درس آموخت. وی از استادان نامدار حوزه مشهد بود و سالها پس از درگذشت پدر، به جای وی در وی مسجد گوهرشاد به اقامه نماز جماعت پرداخت. این عالم فاضل در ۱۳۵۹ به دیدار حق شتافت و در دارالسیاده حرم مطهر امام علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) مدفون شد. (گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۴۴-۱۴۷ و مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹)

۱۰. آیه الله سید حسین فقیه سبزواری در ۱۳۰۹ق در شهر سامرا متولد شد. پدرش، آیه الله سید موسی، از شاگردان میرزای شیرازی و در آن شهر مقیم بود. وی از شاگردان نامدار حضرات آیات میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدتقی شیرازی، پدر بزرگوارش سید موسی سبزواری به شمار می رفت. از سال ۱۳۱۸ق در نجف اشرف به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. همراه پدر به سبزواری و پس از آن به مشهد مقدس کوچید. فقیه سبزواری در سال ۱۳۳۸ق (یک سال پس از وفات پدر) به نجف اشرف سفر کرد. در ۱۳۴۸ق به دعوت مردم مشهد و دستور مراجع نجف به مشهد بازگشت. این فقیه وارسته پس از زندگانی سراسر علم و تقوا و بزرگواری در ۱۳۴۵شمسی در مشهد دار فانی را وداع گفت و در باغ رضوان که اکنون جزء حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است، به خاک سپرده شد. خلاصه ای از زندگانی و تحصیلات و اجازات علمی و آثار خیریه و خاندان او در کتاب عمری پر افتخار؛ خاطرات زندگانی آیه الله سید حسین فقیه سبزواری، تألیف حسین نوقانی خراسانی و محمد ناصری در مشهد به چاپ رسیده است. (عمری پرافتخار؛ خاطرات زندگانی آیه الله سید حسین فقیه سبزواری)

محمدجواد، آقازاده آیه الله سبزواری<sup>۸</sup> بود، کرایه منزل نگرفت و برحسب دعوت آقای رئیس تشریفات حضرتی تیمناً و تبرکاً سر سفره و خوان حضرت رضوی علیه السلام حاضر شدم و روز ۱۴ ماه جاری ایضاً دعوت فرمود. چون روزه داشتم، عذر خواستم و بحمدلله و المنة در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یوم ولادت حضرت امام نهم شیعیان علیه السلام (منهم أنا إن شاء الله) با سرور قلب و صحت مزاج و داشتن توفیق و هوای موافق طبع با موافقت زوجه ام، مادر شیخ علی، این ایام شریف را به سر بردیم و جشن های باشکوه را تماشا نمودیم و ایام البیض رجب را صائم بوده و عمل ام داود را به جا آوردم و زیارت حضرت بی شمار بود.

اصالتاً از خود و به نیت والدینم و بعضی ها که خدمت به حقیر نموده بودند و اساتید کرام حتی مرحوم ناصرالدین شاه قاجار (أنار الله برهانه) و اجدادم و أخوان مرحومم به جا آوردم و نماز ظهر و عصر را در مسجد گوهرشاد با علم الهدی<sup>۹</sup> و نماز

سبزواری (فرزند بزرگوار آیه الله سید حسین فقیه سبزواری) بود که در محل ضلع شمالی، کنار فلکه حرم مطهر امام رضا (علیه آلاف التحية و الثناء) قرار داشت و اکنون جزء آستانه مقدس رضوی شده است. این عمارت که پیشتر منزل واعظ کرمانی (م ۱۳۲۶م)، پدرخانم سید محمدجواد مرحوم فقیه سبزواری بود به «مجمع محدثین» شهرت یافته و محل برگزاری مراسم دعا و توسل و همچنین محل اسکان طلاب و فضلاء زائر بود. این مراسمها اکنون در حسینیه فقیه سبزواری در خیابان سرشور مشهد تداوم دارد. (اطلاعات شفاهی از استاد بزرگوار سید علی اصغر امینی)

۸. آیه الله سید محمدجواد فقیه سبزواری فرزند آیه الله سید حسین فقیه سبزواری در ۱۳۰۹ در مشهد به دنیا آمد. دروس مقدماتی را در مدرسه مبارکه محمدیه سعادت فراگرفت و به جرگه طلاب حوزه علمیه مشهد پیوست. حضرات آیات سید حسین فقیه سبزواری (پدر بزرگوارش)، میرزا احمد مدرّس یزدی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ محمدرضا کلباسی و محمدتقی ادیب نیشابوری، از استادان او هستند. این عالم فقیه در حوزه مشهد به تدریس سطوح عالی پرداخت. درس خارج فقه و اصول او رونق خاصی داشت. وی مدیریت مدرسه علمیه باغ رضوان مشهد را به عهده داشت و همچون پدر بزرگوارش در امور خیریه و تأسیس بناهای عام المنفعه پیشقدم بود. فقیه سبزواری در اول آذر ۱۳۸۴ در مشهد درگذشت و در جوار مرقد مطهر امام علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) دفن گردید. (مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج ۱، ص ۱۱۷-۳۱۸؛ کتاب عمری پر افتخار؛ خاطرات زندگانی آیه الله سید حسین فقیه سبزواری، ص ۱۰۹-۱۱۰)

۹. آیه الله سید علی علم الهدی فرزند سید محمدحسین نجفی از سادات

این جمله فوق را نوشتیم؛ بدانید در جوار حضرت هم بی‌اعتدالی دارند، افسوس!

باری، روز ۲۱ ماه قریب به ظهر به طهران رسیدیم و فوری به طرف قم رهسپار شدیم. به سلامتی وارد شهر قم شدیم و مستفیض به زیارت حضرت معصومه علیها السلام ایضاً شدیم و سه شب در منزل نور چشمی شیخ علی ماندیم. در مسجد بالای سر، مجلس تبلیغ و روضه خوانی بود. سه نفر آقا سید به منبر تشریف می‌بردند، مخصوصاً آل‌طه<sup>۱</sup>، خیلی استفاده و فیض روحی بردیم. کثر الله أمثالهم و کسر الله عنق أعدائهم آمین یا رب العالمین. باری، خداوند قبول فرماید ثواب را در دفتر حسنات ثبت نماید.

بعد از آنجا به طهران آمده و یک شب ایضاً در منزل آقای [شیخ هبة الله] محمدی ماندیم و فردایش به طرف قزوین فرستاد. آنچه آقای محمدی أصلح الله حاله نسبت به حقیر و والدهاش تقدیم و مساعدت نمود:

۱. بیست تومان به والدهاش داد.
۲. شصت تومان کرایه ماشین میهن تور را داد.
۳. دوپارچه پتوی پشمی جهت پوشاک راه داد.
۴. وقت حرکت به قزوین پنجاه تومان نقد و پنجاه من تبریزی ذغال حواله نمود.
۵. در حین حرکت ماشین به طرف خراسان، یکصد تومان داد.

۱۱. واعظ ارجمند و خطیب گرامی استاد سید محمد آل طه فرزند مرحوم سید حبیب‌الله قمی در ۱۳۰۵ش در قم زاده شد. ایشان در حوزه علمیه از محضر بزرگان چون حضرات آیات بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، سید عبدالحسین وکیلی (دایی بزرگوارش)، سیدرضا بهاء‌الدینی، عبدالرزاق نائینی، سید محمدباقر سلطانی طباطبایی و شیخ عباس تهرانی کسب فیض کرد و به مدارج بلند علمی و فضیلت دست یافت. وی پرآوازه‌ترین واعظ و خطیب مجالس اهل بیت علیهم السلام در قم بود. استاد آل طه در ۱۲ اسفند ۱۳۹۵ درگذشت و در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حجره ۲۲ به خاک سپرده شد. از وی تقریرات دروس فقهی و اصولی حضرت آیه‌الله بروجردی و امام خمینی و... به یادگار مانده است و همچنین کتاب آل طه؛ سرگذشت و خاطرات که در ۱۳۹۷ منتشر شده است. کتاب تحفه اهل ولاء (چاپ ۱۳۹۷) در گرمی‌داشت مقام علمی و اخلاقی و تبیین نقش ایشان در جایگاه وعظ و ارشاد و حوادث سیاسی و اجتماعی به چاپ رسیده است.

دین شد - به رحمت ایزدی پیوسته، حجج الاسلام و مراجع تقلید فرقه ناجیه شیعه در شهر قم مجالس ترحیم آبرومندی تشکیل دادند. ۱. حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی، ۲. حضرت آیه‌الله شریعتمداری در مسجد اعظم حضرت آیه‌الله بروجردی (أعلى الله مقامه الشریف) حضور داشته و یک نفر شیخ متوسط السن به منبر تشریف برد، استفاده روحانی و روحی بردیم. کثر الله أمثالهم.

پس از زیارت و فاتحه خواندن در سر قبور علماء اعلام (أعلى الله مقامهم) به طهران مراجعت نموده و دو شب ایضاً در منزل شیخ هیبت‌الله مانده، با ماشین میهن تور به خراسان اعزام شدیم. خیلی خیلی راحت از راه مازندران - گرگان رفتیم و یک شب در راه ماندیم.

یوم دوشنبه غزه ماه رجب الأصب به شهر مقدس خراسان رسیدیم و نوزده روز در آن مکان مقدس و شریف بیتوته داشتیم. چنان‌که شرح داده شد، در روز بیستم شهر رجب زیارت وداع را نموده. خداوند متعال قبول فرماید.

از راه سبزوار و دامغان و غیره به طهران آمدیم و قدمگاه را زیارت نمودیم و یک شب در راه مانده، به سلامتی وارد طهران شدیم.

آنچه بی‌انصافی بلکه بی‌ایمانی از صاحب اوتوتاج نو خراسان دیده، می‌نویسم:

صاحب گاراژ مزبور تقریباً ۱۵-۱۶ نفر مسافر زائر مردانه و زنانه و بچه‌دار با شماره صندلی پول گرفته و بلیط داده بود ساعت ۸ شب آن بیچاره‌ها را سوار نموده، اغلباً بی صندلی هر چه گریه نمودند و فریاد کردند: «مرد مؤمن، ای حاجی! پول صندلی از ما گرفتی!».

اغلب مسافرین مردانه و زنانه سر پا ماندند و یک نفر حاجی بیچاره هر چه دست‌وپا زد و فریاد کرد و دو مرتبه از ماشین پائین رفت، حتی در اثر قیل‌وقال پاسبان هم آمد، نمی‌دانم صاحب گاراژ چه به پاسبان داد، او هم متحمل نشد. ماشین را حرکت دادند، از شهر خارج شدند. فریاد و ناله آنها که مظلوم بودند، به جایی نرسید و بچه‌های کوچک سر پا بودند و یا در بغل مادر بودند و در نصف راه از آنها هم سری ده تومان گرفتند.

منبر درفشانی نمودند و در شب سیم شهر شعبان المعظم سال جاری که تولد حضرت سید الشهداء (ارواحنا فداء) بود و مسجد مرحوم آقای میرعبدالصمد تقوی آقایان تقوی‌ها جشن آبرومندی تشکیل داده بودند. ایضاً حقیر حضور داشتیم و جناب آقای سید مهدی تقوی به منبر تشریف برده، حظّ روحی بردیم. خداوند متعال علمای اعلام و تمام شیعیان را موفق و منصور بفرماید.

در شب چهارم ماه جاری در باروت کوچه در مسجد آن گذر نیز جشن مفصلی گرفته بودند. گرچه حقیر موفق نشدم، ولكن از شعائر مذهبی بود، مورد تمجید و تقدیر است.

و در شب پنجم ماه شعبان المعظم سال جاری ایضاً با اقدام آقایان مبلغین شهرستان قزوین در مسجد مرحوم مغفور آقای حاج ملا صالح برغانی (طاب رمله الشریف) که معروف به صالحیه است، جشن باشکوه آبرومندی تأسیس شده بود.

مسجد مرقوم محترم من الباب الی المحراب مملوّ از جمعیت بود و جناب آقای حاج ادیب مسجد و منبر را با بیان شیرین و لطیف خود منور و بعضی از مستمعین محظوظ و اغلب فقط برای تماشا و بعضی‌ها به عنوان جاسوسی، مثل معقل کوفی، آمده بودند.

خداوند عالم امام زمان را زودتر برساند (عجل الله تعالی فرجه). افسوس زبان و قلم از گفتن و نوشتن کلمات حق آزاد نیست از مفاصد این دوره، و چه نتیجه‌ها دارد که عن قریب ظاهر خواهد شد و ظلمت کفر و بی دینی تمام ایران را شدیداً تاریک نماید. پس از رحلت مرحوم مغفور آیه‌الله بروجردی صفحہ ایران را بر علما و شیعیان تاریک نموده‌اند. حضرت آیه‌الله خمینی در طهران یک سال است در حبس دولت است، احتمالاً این همان زمان باشد که در کتاب مجمع النورین سبزواری جلد حیوان در ص ۲۶۴<sup>۱۳</sup> در ضمن خواص گوسفند حدیثی از حضرت رسول ﷺ روایت می‌کند، فرمود: «عن قریب است که

در مقابل این خدمات از خداوند خواهش می‌کردم که ای کریم ذو الجلال به پسر محمدی توفیق مرحمت فرما مطیع شریعت اسلام و باطناً و ظاهراً منقاد امر و نهی الهی و مطیع فرمایش حضرت پیغمبر و ائمه هدی (سلام الله علیهم أجمعین) باشد و عمرش را با عزت دینی و دنیایی خاتمه دهد آمین یا ربّ العالمین.

و روز ۲۶ رجب وارد قزوین شدیم و شب ۲۷ در مسجد آقای آقا سید علی مجتهد (أعلی الله مقامه) به همت کسبه بازار قزوین (خداوند به عموم کسبه ایران برکت مالی و عمری و اولادی و عزتی بدهد که در اثر خدمات کسبه آثار دیانت و حوزه‌های علمیه شهر مقدس قم و سائر شهرها پایدار است و دعا نمودن بر این سلسله بر علماء اعلام و طلاب علوم دینی و سادات و فقراء لازم است).

جشن با شکوهی گرفته شده بود و آقای سید محمد ضیاءآبادی<sup>۱۴</sup> - نجل زکی آقای حاج سید محمود - (حفظه‌الله) در

.....  
۱۲. آیه‌الله سید محمد ضیاءآبادی (۱۳۰۷-۱۳۹۹ش) از مجتهدان و استادان اخلاق در تهران بود. در روستای ضیاءآباد قزوین متولد شد. از سال ۱۳۲۰ش در قزوین به تحصیل علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۲۸ش وارد حوزه علمیه قم شد و دوازده سال علوم حوزوی را فراگرفت. آیه‌الله ضیاءآبادی در سال ۱۳۴۰ش و بعد از درگذشت آیه‌الله سید حسین بروجردی، مرجع تقلید شیعه، به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه تهران به تدریس کتاب‌های حوزوی مانند مطول، معالم الاصول، رسائل و مکاسب در مدرسه علمیه آیه‌الله مجتهدی پرداخت. این عالم بزرگوار سال‌ها در مسجد علی بن موسی‌الرضا علیه السلام در خیابان سقاباشی و مسجد علی بن الحسین علیه السلام در بند تهران جلسات عمومی تفسیر و اخلاق داشت. وی دانش‌آموخته حوزه علمیه قزوین و قم بود و در محضر استادانی چون حضرات آیات سید حسین بروجردی، علامه رفیعی قزوینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، امام خمینی، سید محمدرضا گلپایگانی، عبدالجواد سدهی اصفهانی، سید محمدباقر سلطانی طباطبایی و شیخ یحیی مفیدی درس آموخته بود. فهرست شماری از آثار او عبارتند از: امامت، بیان قرآن: این کتاب شامل بخشی از تفسیر سوره قیامت است، تفسیر سوره انفال، تفسیر سوره یونس، تفسیر سوره توبه، تفسیر سوره یوسف، توسل، شب مردان خدا، موعظه یاراه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان، شرح و تفسیر دعای توبه از صحیفه سجاده، حج برنامه تکامل، در جستجوی دین، قرآن و قیامت و مجموعه صغیر ولایت. آیه‌الله ضیاءآبادی ۲۰ بهمن سال ۱۳۹۹ در تهران درگذشت، در حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام به خاک سپرده شد. گنجینه دانشمندان، محمدشریف رازی، ج ۲، ص ۳۸۳؛ اثر آفرینان، ج ۴، ص

۱۳؛ گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۹۶-۵۰۶

۱۳. مجمع النورین، کتاب حیوان، ملا اسماعیل سبزواری، به سعی و اهتمام حاج سید محمد کتابچی، تهران، اسلامیه، چاپ اول، بی‌تا، مجلس چهل و هفتم، ص ۴۰۱.



بعد اول سال شمسی عید نوروز ۱۳۴۲ خورشیدی روز پنجشنبه ۲۴ شوال المکرم ۱۳۸۳ قمری مصادف با رحلت امام ششم امام جعفر صادق علیه السلام بود، مراجع تقلید فرقه ناجیه شیعه در قم اعلان فرمودند که: «شیعیان! امسال جشن عید نداریم، بلکه مجالس سوگواری داریم».

در مدرسه فیضیه قم مجلس سوگواری منعقد و حیاط مدرسه و مدرس پر از جمعیت از آقایان و طلاب و کسبه و حضرت آیه الله گلپایگانی تشریف داشته و آقای انصاری واعظ<sup>۱۵</sup> در بالای منبر مشغول [سخنرانی بود]. در آن بین قریب چهل نفر کلاه نمدی با چماق‌های آهن وارد شده، می‌گویند: «جاوید شاه». مردم هم می‌گویند: «جاوید شاه». کلاه نمدی‌ها می‌گویند: «جاوید ولیعهد» و بعد می‌گویند: «آقایان صلوات بفرستید، ساکت باشید، آقا صحبت را تمام کند».

کلاه نمدی‌های ملعون که مأمور بودند، از طرف... [کذا] می‌گویند: «صلوات، جاوید باد شاه» و چماق‌ها را از زیر پالتوهای خود درآورده، به زدن طلاب مشغول می‌شوند. پاسبان‌ها هم در مدرسه تفنگ‌های هوایی سر می‌دهند. آشوب فوق‌العاده در مدرسه بلند می‌شود و تعداد و شماره تلفات معلوم نشد و ماشین در مدرسه حاضر بوده، مقتولین و مجروحین را برده، مآل کار مقتولین معلوم نشد و مجروحین از طلاب را یک‌شب در مریض‌خانه خوابانده و فردا بیرون نمودند و خود این حقیر

انتخابات مانعی ندارد، ولی حق انتخاب شدن آنها فحشا به بار می‌آورد. موضوع حق رأی دادن زنان و غیره در درجه آخر اهمیت قرار دارد. ما می‌خواهیم مشروطیت را حفظ کنیم، اکنون که در ایران حق آزادی از ما سلب شده، به فکر زن‌ها افتاده‌اند. در حال حاضر آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق

حیات از مردم سلب گردیده است». (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۹۱)

۱۵. واعظ نامی شیخ مرتضی انصاری در ۱۳۲۳ق در قم متولد شد و مقدمات و ادبیات را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، و سطوح را نزد میرزا محمد همدانی، آخوند ملاعلی همدانی، شیخ محمدعلی حائری قمی و سید محمدتقی خوانساری فراگرفت و در درس خارج شیخ عبدالکریم حائری شرکت کرد. وی از واعظان و خطیبان مشهور قم بود و برای تبلیغ به مناطق مختلف کشور مسافرت می‌کرد. شیخ مرتضی انصاری در ۲۷ مرداد ۱۳۵۷ در ۶۷ سالگی درگذشت. آرامگاه او در قبرستان شیخان است. (اختران قم، ۵۲۸-۵۵۳).

زمانی بیاید که بهترین چیزها برای مرد مسلم آن باشد که چند گوسفند داشته باشد که برود در سرکوه و محل آمدن باران به سر برد و از شیر گوسفندان بخورد و از مردم دوری کند که از شرّ خلق محفوظ بماند».

چون اسدالله علم نخست وزیر ایران (علیه اللعنة والنیران) تصویب‌نامه‌ای چند به هوی و هوس و میل خود و خوشایند جمعی از ملاحده و زنادقه چاپ نمود که می‌خواست عملی نماید که بعضی مخالف دین اسلام و مخالف قانون اساسی ایران بود؛ من جمله ورود زن با انجمن‌های ایالتی و ولایتی. جهان اسلام و مجتهدین با احتشام در تمام شهرستان‌ها و مخصوصاً در شهر مقدس قم که الیوم مراجع تقلید شیعه در شهر مقدس قم تمرکز دارند که اسامی مقدس ایشان نوشته می‌شود: حضرت آیه الله آقای حاج آقا روح الله خمینی، حضرت آیه الله آقا سید کاظم شریعتمداری، حضرت آیه الله سید محمدرضا گلپایگانی و حضرت آیه الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (کثر الله أمثالهم) که در شهر قم ساکن بودند و حضرت آیه الله آقا سید احمد خوانساری ساکن طهران و حضرت آیه الله حکیم ساکن نجف اشرف و آیه الله خویی و کذلک علمای اعلام با قلم‌های پاک بی‌آلایش (مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء) از تمام شهرستان‌های ایران اعتراضات شرعی و قانونی به تصویب‌نامه عَلم نمودند و مبلغین با احترام در منابر و مساجد مفاصد تصویب‌نامه شوم را به سمع مسلمین رساندند. اعلانات کافی، وافی از تمام علما در تمام شهرستان‌ها در ایران پخش شد. پس از چند ماه عَلم ناسخ تصویب‌نامه خود انتشار داد، فی الجمله غائله خاموش شد.<sup>۱۴</sup>

۱۴. امام خمینی علیه السلام در زمان ارائه لایحه ایالتی و ولایتی، در تلگراف به علم، نخست‌وزیر وقت، در ۲۸ مهرماه ۱۳۴۱ می‌گویند: «ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف [است با] قوانین محکم اسلام که تشخیص آن، به نص قانون اساسی، محول به علمای اعلام و مراجع فتواست و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند. در این صورت حق رأی دادن به زن‌ها و انتخاب آنها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شورا مصوب و موشح ... سلب کرده است». (صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۰)

همچنین امام خمینی می‌فرماید: (موضوع حق شرکت دادن زنان در

به چه جهت معالجه نکرده، از مریض خانه بیرون کردند؟ بالأخره جواب داده بودند دستور مرکز است. دگاکین در اغلب شهرها بسته و بازار تعطیل شد، مخصوصاً در طهران بعد به زور سرنیزه بازار را باز نمودند، می‌گفتند در بازار قم و طهران چند نفر مقتول شدند و جمعی دستگیر شدند. اهل منابر و وعظ در تمام شهر دستگیر و حبس [و] در قزوین آقا سید باقر حبس و سائرین مخفی شدند.

#### • منابع

- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران: چاپ اسلامیّه، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴.
- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلد اول عالمان دینی، گروه تراجم و انساب زیر نظر غلامرضا جلالی، مشهد: بنیاد پژوهش‌ها اسلامی، ۱۳۸۶.
- عمری پرافتخار؛ خاطرات زندگانی آیه‌الله سید حسین فقیه سبزواری، تألیف حسین نوقانی خراسانی و محمد ناصری، مشهد: چاپ گوتمبرگ.
- اختران قم، ناصرالدین انصاری، قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.
- اثرآفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
- خاطرات و خدمات، منوچهر سالور، قم: انتشارات اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۸، ص ۳۸۹-۳۹۰.
- فصلنامه میراث شهاب، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۵-۱۰۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۲۵-۲۸۱ «سنجۀ کتاب (۹): زندگی‌نامه خودنوشت آیه‌الله محمدی تاکندی، به کوشش علی اکبر صفری».

بعد از خاموش شدن غائله به قم رفتم، در ایوان مدرسه عمامه سفید و سیاه و عبا و کفش بی‌صاحب را شماره نمودم؛ حاکی از چهارده نفر می‌کرد صاحب آنها، همه مقتول بودند یا متواری بودند<sup>۱۶</sup>، اللّٰه اعلم.

بعد از واقعه فגיעه مدرسه فیضیه طلاب علوم دینیّه متواری شدند. هر چه در قم بودند پر و بال شکسته، دروس تعطیل بود.

راه قم به طهران، از طهران به سایر شهرستان‌ها برای طلاب و معمم بسته بود و پسر، شیخ علی، از قزوین می‌خواست به قم برود، از راه همدان رفت و حقیر چند روز در قزوین ماندم و بعد از راه طهران به قم رفتم. چنان‌که نوشته شد، باری خرابی مدرسه فیضیه و آن آشوب از طرف علمای قم به شهربانی قم تلفن نمودند که این کلاه نمدی‌ها که بودند و این جنایات را وارد نمودند؟ چرا آنها [را] دستگیر نکردید و مجروحین طلاب را

۱۶. این واقعه در خاطرات بسیاری از بزرگان آمده است، از جمله مرحوم مهندس منوچهر سالور. نقطه مشترک همه خاطرات این است که رژیم پهلوی این‌گونه حوادث و اعتراضات و ناراضی‌تای مردم را جدی نمی‌گرفت و وقتی بر آن نمی‌نهاد. زمانی فهمید که دیگر دیر شده و کار از کار گذشته بود. مهندس سالور در خاطرات خود چنین نوشته است:

جمعه ۱۶ فروردین ۱۳۴۲=۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۸۲

«...دیشب تا ساعت ۹ در حرم بودم، اما افسوس که مساجد بسته است. با علاقه‌ای که داشتم، رفتم که وضع مدرسه فیضیه را ببینم. پاسبانی با عینک سیاه دم در نشسته بود، گفت: غدغن است. به حرم برگشتم که زیارت مجددی کنم. در راه اطلاع پیدا کردم که ورود به مدرسه فیضیه آزاد شده. به آنجا رفتم. در راهروی مدرسه و سایر نقاط آن شعارهایی نوشته بودند؛ از جمله: «از قتلگاه شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام دیدن کنید».

تمام درها و پنجره‌ها شکسته بود مقداری چوب و تعدادی عمامه و نعلین و چراغ پریموس در صحن و اتاق‌ها ریخته بود».

سه‌شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۴۲=۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۸۲

«... نزد آقای شریف امامی رفتم. وقایع قم و مذاکرات با علما و اعمال زشت و جاهلانهای که با عده‌ای از طلاب مرتکب شده بودند، همه را برای ایشان تعریف کردم. ایشان از وقایع قم به‌طور کامل اطلاع نداشتند. وقتی عرایض بنده را شنیدند، بسیار متعجب شدند. موقع خداحافظی به ایشان گفتم از قرار جنابعالی به قم خواهید رفت تا با آقایان علما مذاکره کنید. ایشان اظهار داشتند: «چنین مأموریتی به بنده داده نشده است». (خاطرات و خدمات، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۰).

- کتاب شیعه؛ ۲۱- ۲۲
- سال یازدهم، شماره اول و دوم
- بهار تا زمستان ۱۳۹۹

- مقالات فارسی
- سفرنامه مشهد مقدس و قم
- ملا علی اصغر محمدی قزوینی (م ۱۳۹۶ق)

• اجازه امور حسبيه از آية الله سيد ابوالقاسم تقوی قزوینی به ملا علی اصغر محمدی قزوینی

رزبكيه جناب زنده العفلا العفلا مروج العفلام كآ صبح شين غلي مشه نكندر

زند فضله و توفيقه رز جمله فضلا و توفيقه درون عيني منته نهر بزر و وقت  
و حسن عقيمت و صد خيانت بشن رز صرف اپنجنب مجاز و ما ذون بانشنه  
كه در مراق حاجت و ضرورت بار عايت به عايت داخلات در حاجت بانشنه  
رز قبيل احكام هرات و امور صفار با عدم ولايت يار صابت بيسته  
و عقت الله و اياه بجاه محمدالم و ره افن ضلام لشمع ابوالقاسم  
في ۲۳ شهر صفر ۱۲۴۰ هجری مطابق ۱۳۰۲ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

بعض بنده اب امرج رضی علی صحیح و مجرود گشته

روح رسیده بطنه بونی در رز در خزان بود مرتبه بوده در شمار با نایب  
رغبت و اطلاع که رسید می فرزند جان به روح لایب که بیستم از تو توفیق  
و در آن رحمت خود به طبع کس در رز در ذم نام و حله بر دهن که بر است  
در رگه تقاضای حضرت ایمان و خشنو کریم کار با رخ به بر کت  
خود بر غوظ دانه و نزاره ع فتوات بانشنه حاجت رسیده که خود کرده  
تا بکجه در نیم نام بر بکر که نرسد که نظر کادی فروری نارت کرده که  
تفتا ت مرخ تلف بنات سرور که نام و مام خبر رسیده می بر شانه  
بر کاب حاجت بنده همان سعادت محو که که که که که که که که که که  
نار در رض این بقره که امر در در حاری شهر رطلن نامه آن در کون  
عمر بنده الله به طبع خود بر فرزند مرهیت در مراق ندرم از کون  
رضی حق خطی که ای که در خود فرزند ندرم از کون ندرم از کون  
حکایت نشانه خودم که در زاده حرم حاجت بند انام  
کای در رض در طبع سلیم بر نام آن بر سر زاده از رضی که در کون  
نایب نام بنسب و ندرم کس در زاده در ندرم از کون  
در کون در کون که در کون که در کون که در کون که در کون  
الاصول الحلی حسنی

• نامه‌ای از آية الله رفیعی قزوینی خطاب به ملا علی اصغر محمدی قزوینی

• اعلامیه ترحیم شیخ علی اصغر قزوینی

بسمه تعالی

بمناسبت چهارم روز وفات حضرت حجة الاسلام  
والمسلمین

## آقای شیخ علی اصغر محمدی قزوینی

اعلی ۰۰۰۱ مقامه

که انصافاً حائز اعلی درجه فضل تقوی بودند شب  
جمعه ۱۴ جمادی الاولی بعد از نماز مغرب وعشاء  
از ساعت ۷/۵ تا ۹ مجلس ترحیم

### در مسجد اعظم

منعقد است

برای تجلیل از مقام روحانیت و علم و تقوی مقتضی  
است حضرات آیات علماء و محصلین و سایر طبقات  
شرکت فرمایند

الاحقر هاشم آملی

## الناس موتی و اهل العلم احياء

### رحلت حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاج ملا علی اصغر محمدی (تاکندی)

اعلی اله مقامه را که چندین سال در بلده طيبة قم مجاور  
بودند باطلاع عموم اهالی محترم شهرستان قزوین مبرسانند  
برای تسلیت بازماندگان آنمر حوم مخصوصاً جناب آقای  
حاج شیخ هبة اله سردفتر اسناد رسمی تهران و جناب  
ثقة الاسلام آقای آقا شیخ علی محمدی فرزندان آنمر حوم  
مجلس فاتحه در مسجد مر حوم شهید اعلی اله مقامه در  
خیابان مولوی از ساعت ۳ الی ۶ بعد از ظهر روز ۲شنبه ۳۰  
فروردین مطابق با ۱۹ ربيع الثاني ۹۶ منعقد است از محضر  
مقدس آقایان علماء اعلام و حجج اسلام و طلاب علوم دینیه  
و اصناف محترم قزوین انتظار دارد با تشریف فرمائی در  
مجلس مزبور و قرائت فاتحه روح آنمر حوم راشاد و  
بازماندگان را تسلیت فرمایند

الاحقر نصر اله شهیدی الاحقر عبدالله شهیدی امام جمعه

• اعلامیه ترحیم شیخ علی اصغر قزوینی